خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج‌شنبه
۳۰ دی ۱۳۹۵
۲۰ ربیع الثانی ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۴۸۲

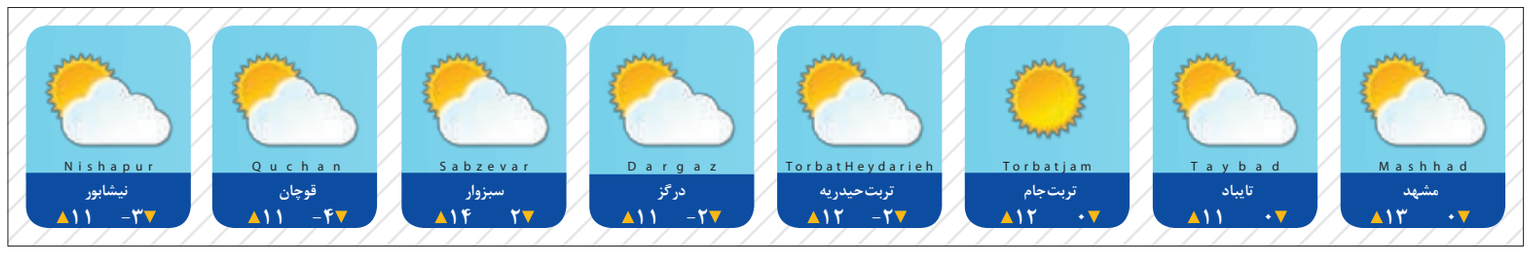

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم(ص)

دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می شود و بدبختان از آن محرومند.

امالی (توسی) ص ۴۸۸، ح ۳۸

کارتون

مانی غریب

خراسان به روایت خراسان

۳۰ دی ماه ۱۳۵۱

علاءالدین آدمکش!

۴۴ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

مشهد؛ خبرنگار خراسان- چراغ علاءالدین و آب‌جوش، باعث مرگ دختر چهارساله‌ای شد. متوفی منصوره نام داشت و دو روز پیش هنگامی که در اتاق مشغول بازی بود، ناگهان ظرف آبی که بر روی علاءالدین در حال جوشیدن بود، به رویش واژگون گردید که در نتیجه، دخترک به سختی آسیب دید و قسمت اعظم بدنش دچار سوختگی شد. منصوره جهت معالجه به بیمارستان منتقل شد، لیکن معالجات مؤثر واقع نشد و فوت کرد. جنازه وی پس از انجام تشریفات دفن گردید.

دو برادر، برادر دیگر را مضروب کردند

سبزوار؛ خبرنگار خراسان- دو برادر با قمه، برادرشان را آن چنان مجروح ساختند که منجر به قطع عضو وی گردید و به کیفر این گناه به دو سال حبس محکوم شدند. متهمین رمضانعلی و مرادعلی نام دارند. این دو به دنبال اختلافاتی که با برادرشان پیدا کردند، در یک فرصت مناسب با قمه به وی حمله‌ور شدند و آنچنان او را مجروح و مصدوم ساختند که با اینکه مدت‌ها تحت معالجه بود، منجر به قطع عضو وی گردید. قضیه در دادگاه جنایی مورد بررسی قرار گرفت و متهمان محکوم به حبس شدند.

نام‌ها و یادها

شریعت

گفت‌وگو با یکی از آخرین بازماندگان هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای در ایران

اگر یک روز نتوانم کار کنم آن روز، روز مرگ من است

او میراث‌دار هنری است که حالا موزه‌ها پذیرایش هستند. هنری که در آن، یگانگی چیز غریبی نیست چون بستری که این هنر در آن تعریف می‌شده، سال‌هاست دستخوش تحول شده یا از میان رفته است. «محمدرضا حمیدی»، یکی از معدود نقاشان مطرح باقی مانده از هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای است که در این سال‌ها، بار احیا و زنده نگه داشتن خاطره آن را به دوش کشیده است. او که از شاگردان استاد مطرح نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران، حسین قوللر آغاسی بوده، دین خود را به آنچه از استاد آموخته، به شایستگی به جا آورده است. سهم او از سال‌ها فعالیت در این حوزه حجره کوچکی در مصلای تاریخی مشهد است. در همین حجره کوچک ما را میهمان یک فنجان چای می‌کند و از فراز و فرودهایی می‌گوید که در این سال‌ها از سر گذرانده تا میراثِ هنری را که به او رسیده است، به سرمنزل مقصود برساند.

از ۱۱ سالگی آموختن هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای را آغاز کردم

«۶ سال داشتم که نقاشی را شروع کردم. آنچه می‌کشیدم ملغمه‌ای بود از دیده‌ها و تخیلاتم. برادرم نقاشی‌هایم را که می‌دید می‌گفت؛ حیف است تو استعداد داری و باید نقاشی را حرفه‌ای بیاموزی. او بانی ورود من به عرصه‌ای شد که برای نیم قرن بخش مهمی از زندگی من را شکل داده است. همین نقاشی قهوه‌خانه‌ای را هم از ۱۱ سالگی آغاز کردم.» او در توضیح ابعاد هنری که در این سال‌ها بر اجرایش مداومت ورزیده است، عنوان می‌کند: نقاشی قهوه‌خانه‌ای در سه موضوع مذهبی، شاهنامه و آداب و رسوم کاربرد دارد و عمده طرح‌هایی که در آن کار می‌شود، خیالی است و به مدل نیاز ندارد، بلکه زاییده فکر خود هنرمند است. وی از دورانی یاد می‌کند که در آن این نوع از هنر نقاشی به واسطه رونق قهوه‌خانه‌ها، هواخواه داشته است؛ «به جای تلویزیون و بسیاری دیگر از انواع رسانه‌ها، این نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای بود که بخشی از زندگی مردم را به تصویر می‌کشید و روایت می‌کرد و البته کسانی که این نقاشی‌ها را برای مردم زنده می‌کردند، نقالان بودند. اصلا مردم برای شنیدن روایت‌ها و قصه‌ها و اندرزهای مرشدان بود که بر این بساط می‌نشستند.»

کاش فرزندانم را تشویق به فراگیری هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌کردم

از استاد حمیدی، درباره زمانی می‌پرسیم که صرف ترسیم هر اثر می‌کند. در پاسخ می‌گوید: هر تابلو یک ماه زمان می‌برد و ۵۰ سال است که به نقاشی آن‌ها مداومت دارم. شمار آثاری که کشیده‌ام، مدت‌هاست که از حساب در رفته است. اما خوب می‌دانم که اگر یک روز کار نکنم، آن روز «مرگ» من فرامی‌رسد. مرگی که شاید گریبان جسم را نگیرد اما استعداد و روح را خواهد کُشت. وی می‌افزاید: حتی سال ۶۰ که به جبهه رفتم نیز نقاشی را ترک نکردم و در آنجا، سیمای شهدا و پوسترهایی از امام خمینی(ره) را نقاشی می‌کردم. وی آهی را چاشنی کلماتش می‌کند و یادآور می‌شود: متاسفانه فرزندانم هیچ کدام وارد این حرفه نشدند با اینکه استعداد آن را داشتند اما به تاکید من وقتشان را بر درسشان متمرکز کردند. البته امروز پشیمان این تصمیم هستم چرا که دوست داشتم بعد از من کسی بماند و همان گونه که من برای زنده نگه داشتن نقاشی قهوه‌خانه‌ای جنگیدم، بجنگد. وی یادایامی را زنده می‌کند که جوان بوده و جویای نام و متذکر می‌شود: گذر ایام به هنرمند یاد می‌دهد که خیلی از آن چیزهایی که خواب و خوراک را از او می‌ربوده، مهم نیستند. یکی، شهرت و نام‌آوری و جلب توجه دیگران است. از جایی به بعد چالش هنرمند بهتر شدن است در رقابتی همیشگی با خودش. استاد حمیدی در نمایشگاه‌های زیادی شرکت کرده است و عمده آثارش در موزه هنرهای معاصر ایران، موزه آستان قدس، فرهنگسرای نیاوران و موزه آرامگاه فردوسی به نمایش درآمده است. وی تاکید دارد، هنری که او بدان مشغول است، خیلی زودتر از آنچه باید، موزه‌ای شده است. وی بیان می‌کند: دعای باران، حضرت عباس(ع) علمدار کربلا و تابلوی سلسلة‌الذهب، بهترین آثارم هستند که در دل و ذهنم ماندگارند.

فقط من و برادرم از کلاس آغاسی، باقی مانده‌ایم

او یادی هم می‌کند از استاد سرشناس خویش و می‌گوید: استاد حسین قوللر آغاسی، شاگردان زیادی داشت و سبک خاصی را در نقاشی قهوه خانه‌ای اجرا می‌کرد اما از میان شاگردانش، من مانده‌ام و برادرم که تلاش کرده‌ایم سبک استاد را حفظ کنیم. استاد حمیدی تاکید می‌کند که اگر زمان به عقب بازگردد و باز هم بستر انتخابی برای او فراهم باشد، نقاشی قهوه‌خانه‌ای را برمی‌گزیند و حتی در آن تلاش و مداومت بیشتری خواهد کرد. به عادت معهود از «حمایت‌ها» می‌پرسیم و او در پاسخ جواب تلخی می‌دهد: هنرمندان را آسان فراموش می‌کنند، جز آنکه مناسبتی باشد و بخواهند چهره‌ای هنری را زینت مجلسی کنند. سفارش کار در هنر ما کم است و وابستگی معاش به آنچه در این سال‌ها در این رشته آموختیم؛ به این دلیل دشوار می‌نماید. کاش نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط با برنامه‌ای بلندمدت، تلاش می‌کردند این هنر را احیا و ترویج کنند و حتی خود برای سفارش کار پیشقدم شوند.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حامد بهداد با انتشار این عکس از محمد علی کلی بوکسور مشهور آمریکایی در صفحه شخصی خود، تولد این چهره ماندگار دنیای ورزش را تبریک گفت. «کلی» ۱۴ خردادماه امسال در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

اعتراضی بامزه به ناسالم بودن هوای مشهد در روز ملی هوای پاک- مجسمه فردوسی در دانشگاه فردوسی

تنور

عمو شاطر

خلاقیت در بازداشت هوای آلوده مشهد!!

وضعیت فعلی شما در سالی که تنها ۲۰ روز هوای پاک داشته است، از دو حالت خارج نیست یا خواننده «صفحه آخر» هستید یا خواننده «صفحه آخر» نیستید، اگر خواننده «صفحه آخر» هستید حتما روز گذشته خواندید که از حرکت عجیب ایرباس ۳۲۱ بر فراز آسمان آلوده مشهد نوشتیم! اگر هم خواننده «صفحه آخر» نیستید، کار بدی می کنید که خواننده «صفحه آخر» نیستید، بروید خواننده «صفحه آخر» شوید، چرا که اگر خواننده «صفحه آخر» بودید، الان می دانستید که حرکت عجیب ایرباس ۳۲۱ چه بوده است! البته اگر هم نمی دانید این حرکت چه بوده است، احتمالا چیز مهمی را از دست نداده اید، چون ظاهرا حرکت مهمی نبوده است، چرا که اگر مهم می بود، بالاخره حداقل یکی از مسئولان شهر که احساس تکلیفش بیشتر از بقیه است یا حداقل یکی از علاقه مندان محیط زیست که خونش رنگی تر از بقیه است تا الان صدایش از جای گرم یا سردی در می آمد!

بله، راستش را بخواهید فکر می کردیم امروز صدای محیط زیستی ها در بیاید و پاشنه در فرودگاه مشهد را از جا بکنند که «چرا یک روز مانده به روز هوای پاک، هواپیما را می فرستید روی آسمان شهر ویراژ دهد!؟» اما در همین فکرها بودیم که چرا صدای محیط زیستی ها در نیامده و آیا این مشکل مربوط به صداهای خس خسی به جهت آلودگی هواست یا مشکل مربوط به جنس پاشنه در فرودگاه است، که روز گذشته چشممان به هنر نمایی دیگری روشن که چه عرض کنم منور گشت!!

بله، از سرنشینان و تک سرنشینان خودروهای ردیف های جلویی گیر کرده در ترافیک که روز گذشته ساعت ۱۰ صبح در چهار تقاطع اصلی و پرترافیک شهر مشهد یعنی کلاهدوز، فردوسی، خیام و سه راه راهنمایی، که یکی دو دقیقه علاف شدند تا بالاجبار نمایش دستگیری آلودگی هوا را ببینند، پنهان نیست از شما که سرنشین یا تک سرنشین خودروهای گیر کرده در ردیف های بعدی ترافیک روز گذشته ساعت ۱۰ صبح در چهار تقاطع اصلی و پرترافیک شهر مشهد یعنی کلاهدوز، فردوسی، خیام و سه راه راهنمایی، که چند دقیقه علاف شدید، و یا از شمایی که در ساعت ذکر شده، جای دیگری از شهر مشغول استنشاق هوای آلوده بودید یا از شمایی که اصلا معلوم نیست دیروز ساعت ۱۰ صبح کجا بودید، راستش را بگویید کجا رفته بودید؟! چه پنهان که دیروز هوای آلوده مشهد دستگیر شد!!

نتیجه اخلاقی این که مقصر پرتقال فروش سر کوچه آن پدر آمرزیده‌ای است که برای اولین بار نام «تئاتر خیابانی» را به زبان راند و به اصطلاح مد کرد! چرا که اگر به جای این واژه نامانوس از عبارات دیگری چون «تئاتر پیاده‌رویی»، «تئاتر بوستانی» و «تئاتر گوشه کنار» استفاده می کرد، دیروز همین نمایش آلودگی هوا هم در یکی از بوستان های مشهد برای عموم اجرا می شد و هم آدم های بیشتری آن را می دیدند و تاثیر می گرفتند و هم ماشین کمتری پشت چراغ قرمز الکی بنزین می‌سوزاند و هوا را آلوده می کرد، ولو در حد یک دقیقه!!

اینفوگرافی

طراح: مسعود زارع - خراسان رضوی

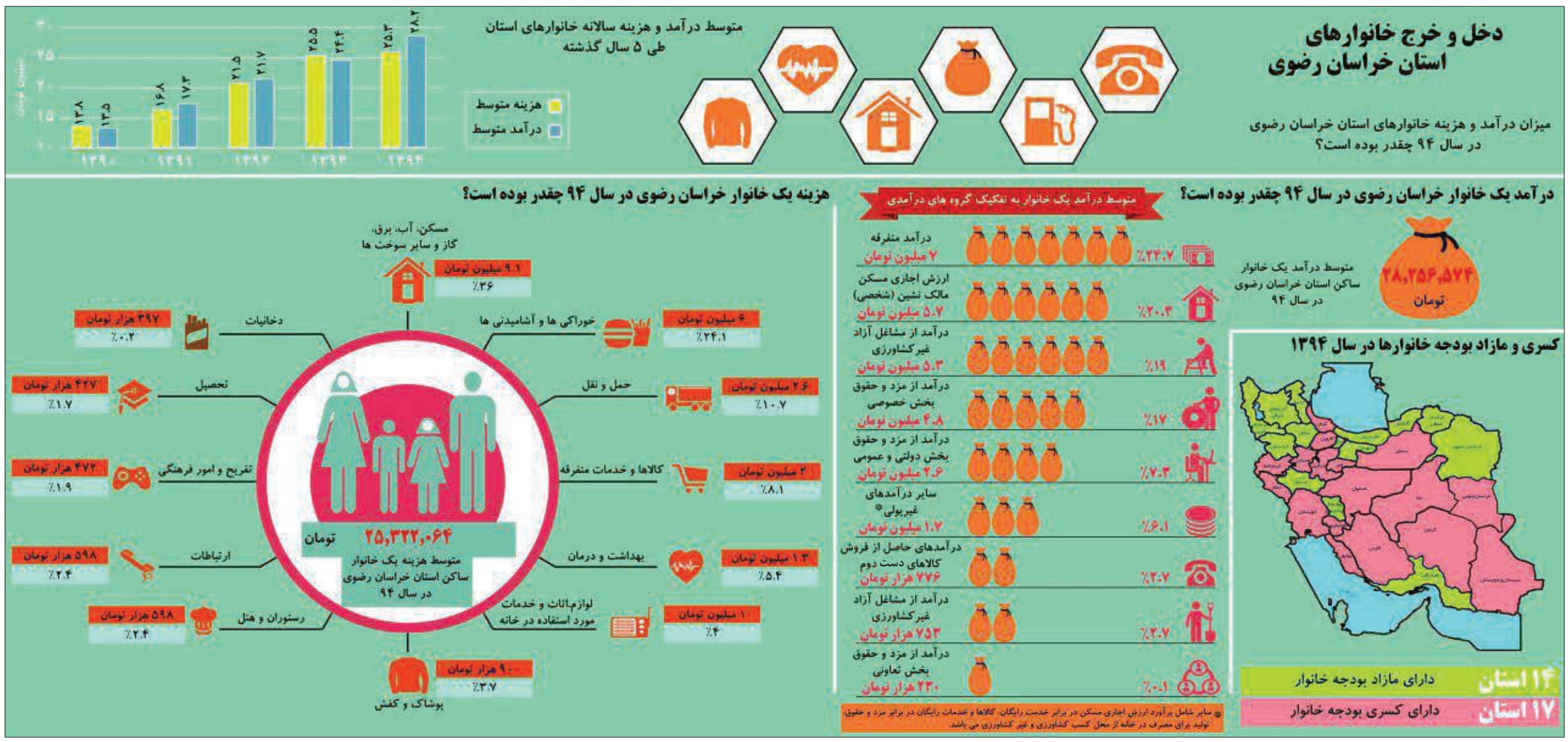

به استناد گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران و مصاحبه‌های مسئولان مربوطه